

آثار فرهنگ تازی در زندگی ایرانیان

صادق هدایت در ابتدای کتاب بوف کور می نویسد :
در زندگی درد هائی است که روح انسان را مثل خوره از درون می خورند و می زدایند ، این دردها را نه می شود به کسی گفت و نه جائی بیان کرد !

البته اشاره نکرده اند که از کدامین دردهای اجتماعی دل پری داشته اند که نمی شده جائی بیان کرد، در این مقاله به یک سری دردهای اجتماعی بجای مانده از فرهنگ عرب که مثل خوره ، اصالت فرهنگی ایرانیان را مورد حمله قرار داده و روابط اجتماعی بین انسانها را از درون جامعه به نابودی کشانده ، اشاره می کنم که البته این دردها را همه جا می شود بیان کرد ، ولی انگار که این خوره گوش شنوای ایرانیان و شعور انسانی آنها را در طول 1400 سال گذشته بطور کلی متلاشی کرده ! کو گوش شنوا !

بگواهی تک تک برگهای زرین تاریخ کهن ایران ، اینگو نه رفتارهای ناگوار توسط هیچیک از تاریخ نویسان دنیا در قبل از یورش وحشیانه اسلام محمد تازی به ایران، بنام این ملت بزرگوار ثبت نگردیده ، مگر فرهنگ تازی که این همه نامردمیا و ناجوانمردیها را بزور شمشیر جایگزین فرهنگ پاک زرتشت بزرگ کرده است ؟

به قسمتی از این دردهای اجتماعی توجه کنید !

- اکثرا " تخیل را به تفکر ترجیح می دهیم؟
- اکثر مردم در هر شرایطی منافع شخصی را به منافع ملی ترجیح میدهند
- معمولا " اول منار را میدزدیم و بعد به فکر کردن چاه می افتیم .
- برآیند کار دو نفر همیشه کمتر از دو است.
- با طناب مفت حاضریم خود را بدار بزنیم.
- چرا به بدبینی بیش از خوش بینی تمایل داریم؟
- بیشتر نواقص را می بینیم، ولی در رفع آنها اقدامی نمی کنیم .
- چرا معتقدیم که هر چه پیش آید ، خوش آید ؟
- در هر کاری اظهار فضل می کنیم و از گفتن نمی دانم شرم داریم.
- کلمه من را بیش از ما بکار می بریم.
- غالبا" مهارت را به دانش ترجیح میدهیم.
- بیشتر در گذشته بسر میبریم تا جائیکه آینده را فراموش می کنیم.
- از دور اندیشی و برنامه ریزی عاجزیم و غالبا" دچار روزمرگی و حل بحران هستیم.
- عقب افتادگیمان را بگردن دیگران و توطئه آنها می اندازیم، ولی برای جبران آن قدمی بر نمی داریم.
- دایما" دیگران را نصیحت می کنیم، ولی خودمان به آنها عمل نمی کنیم.
- همیشه آخرین تصمیم را در دقیقه نود و نهم می گیریم.
- غربی ها دانشمند و فیلسوف پرورش داده اند، ولی ما شاعر و فقیه.

- زمانی که ما مشغول کیمیاگری بودیم غربی ها علم شیمی را سامان دادند و زمانیکه با رمل و اسطرلاب مشغول کشف احوال کواکب بودیم آنها علم نجوم را بنا نهادند.
 - ما اساساً " قادر به تئوریزاسیون پدیدارها نیستیم و طریقه کشف قانونمندی های طبیعت را نمی دانیم،
 - هنگامیکه به هد فرمان نمی رسیم، آنرا به حساب نصیب و قسمت و یا سرنوشت و بد بیاری می گذاریم . ولی هرگز به تجزیه و تحلیل علل آن نمی پردازیم.
 - غربی ها اطلاعات متعارف خود را روی شبکه اینترنت در دسترس عموم قرار می دهند، ولی ما آنها را برداشته و از همکارمان پنهان میکنیم.
 - مرده ها یمان را بیش از زنده ها یمان احترام می گذاریم.
 - تاریخ ایران ما را عمدتاً " بیگانگان بر اساس منافع استعماری نوشته اند.
 - مهم ترین اکتشافات باستانی ما بدست غربی ها انجام گرفته است.
 - غربی ها ما را بهتر از خودمان می شناسند.
 - چرا در ایران کوزه گر با کوزه شکسته آب می خورد؟
 - چرا فکر میکنیم با صدقه دادن خود را در مقابل اقدامات نابخردانه مان بیمه می کنیم؟
 - چرا برای تصمیم گیری بعد از تمام بررسی های ممکن آخر کار استخاره می کنیم؟
 - چرا می گوئیم مرغ همسایه غاز است؟
 - چرا انتقاد پذیر نیستیم و فکر می کنیم کسی که عیب ما را به ما بگوید بدخواه ما است؟
 - چرا چشم دیدن افراد برتر از خودمان را نداریم؟
 - چرا به هنگام مدیریت در سازمانی زور را به درایت ترجیح می دهیم؟
 - چرا و قتی پای استدلالمان می لنگد، با فریاد می خواهیم طرف مقابل را قانع کنیم؟
 - چرا در غالب خانواده ها فرزندان باید از والدین «حساب» ببرند، بجای اینکه به آنها احترام بگذارند؟
 - چرا اعتقاد داریم که گربه را باید دم در حمله کشت؟
 - چرا اکثراً" رابطه را به ضابطه ترجیح می دهیم؟
 - چرا تنبیه برایمان راحت تر از تشویق است؟
 - چرا غیبت از دیگران برایمان کاری عادی است؟
 - چرا غالباً" افراد چاپلوس بین ایرانیان موقعیت بهتری دارند؟
 - چرا اول ساختمان را می سازیم بعد برای لوله کشی، کابل کشی و غیره صدها جای آنرا خراب می کنیم؟
 - چرا وعده دادن و عمل نکردن عادت عمومی شده است؟
 - چرا قبل از قضاوت کردن نمی اندیشیم و بعد از آن خود را حتی سرزنش هم نمی کنیم؟
 - چرا شانس در زندگی ما اینقدر جای مهمی دارد؟
 - چرا شانس و سرنوشت را برتر از اراده و خواست خود میدانیم؟
 - چرا زندگی را به شایستگی ترجیح می دهیم؟
- آیا هرگز بدنبال پاسخی جدی برای زدودن این دملهای چرکین از اجتماع خود و جایگزینی آنها با پیام پر مهر زرتشت بزرگ بوده ایم ؟

انجمن پادشاهی ایران برآن است که اسلام ننگین محمد تازی را به‌مراه تمام رفتارهای نا شایستی که از دوران اشغال ایران توسط قوم ابوالعرب، جاگزین فرهنگ اصیل ایرانی شده و گریبانگیر نسل‌های گذشته ما بوده و هستند، بطور ریشه‌ای از سرزمین اهورائی زدوده و همه این چرندیات توأم با خرافات را به همراه تازینامه و الله قاسم الجبارین، به زباله دان تاریخ بسپارد.

به رزمندگان راه آزادی در انجمن پادشاهی ایران به پیوندید و غرّش قهرمانان را بگوش دور افتاده‌ترین هموطنان در اقصی نقاط کشور برسانید.

میراث فرهنگی خود را از یاد نبرید که،

ایران ما امسال باید آزاد گردد

پاینده ایران - برقرار باد آئین ریشه‌ای

انوشیروان - کانادا
شنبه، 09/10/2004